

بررسی موقعیت دانشجویان ایرانی در ایالات متحده آمریکا و بازگشت آنها به جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: دکتر حمیدرضا آراسته
دانشگاه هوستون، هوستون تگزاس، آمریکا

معرفی مقاله:

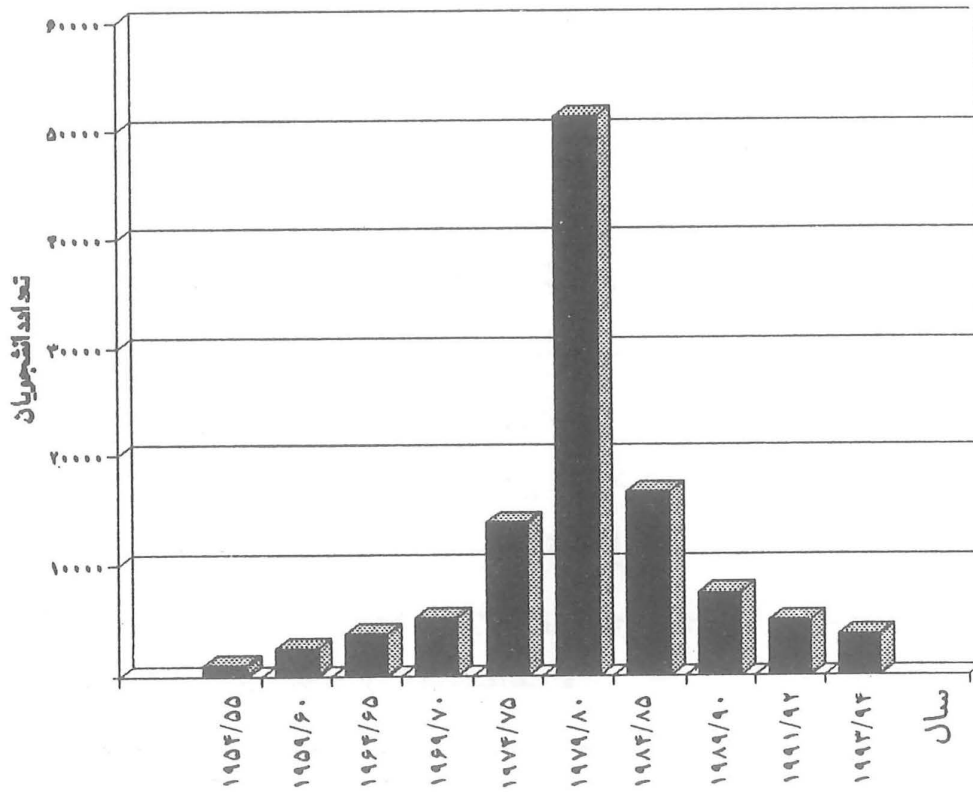
هدف از این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات درباره دانشجویان ایرانی در ایالات متحده آمریکا و آگاهی از انگیزه اقامت آنها در آن کشور و بازگشت به جمهوری اسلامی ایران پس از خاتمه تحصیلات است. به این منظور، یک طرح تحقیق همبستگی (Correlation Research) انتخاب شده بود. براساس پژوهش اکثر پاسخ دهندگان (۶۹/۲۳ درصد) نیت خویش را در بازگشت به جمهوری اسلامی ایران بعد از اتمام تحصیلات اعلام نمودند. آزادی شخصی، فرصت مناسب برای اقامت در آمریکا، جُوکاری بهتر، جُوسیاسی مناسب، شانس بیشتر برای پیشرفت در تخصص، زندگی راحت تر، فرصت تحصیلی بهتر، درآمد بیشتر، و استفاده مناسب از تخصص، همبستگی زیاد و متوسطی با تصمیم دانشجویان جهت اقامت در ایالات متحده آمریکا داشتند. از طرف دیگر، آزادی شخصی، زندگی راحت تر، امنیت جانی، جُوسیاسی قابل قبول، تبعیض علیه ایرانیان، زندگی اجتماعی قابل قبول، کمک فکری به خانواده، جُوکاری بهتر، و دوری از فرهنگ و مذهب، همبستگی زیاد و متوسطی با تصمیم دانشجویان در بازگشت به جمهوری اسلامی ایران داشتند.

مقدمه

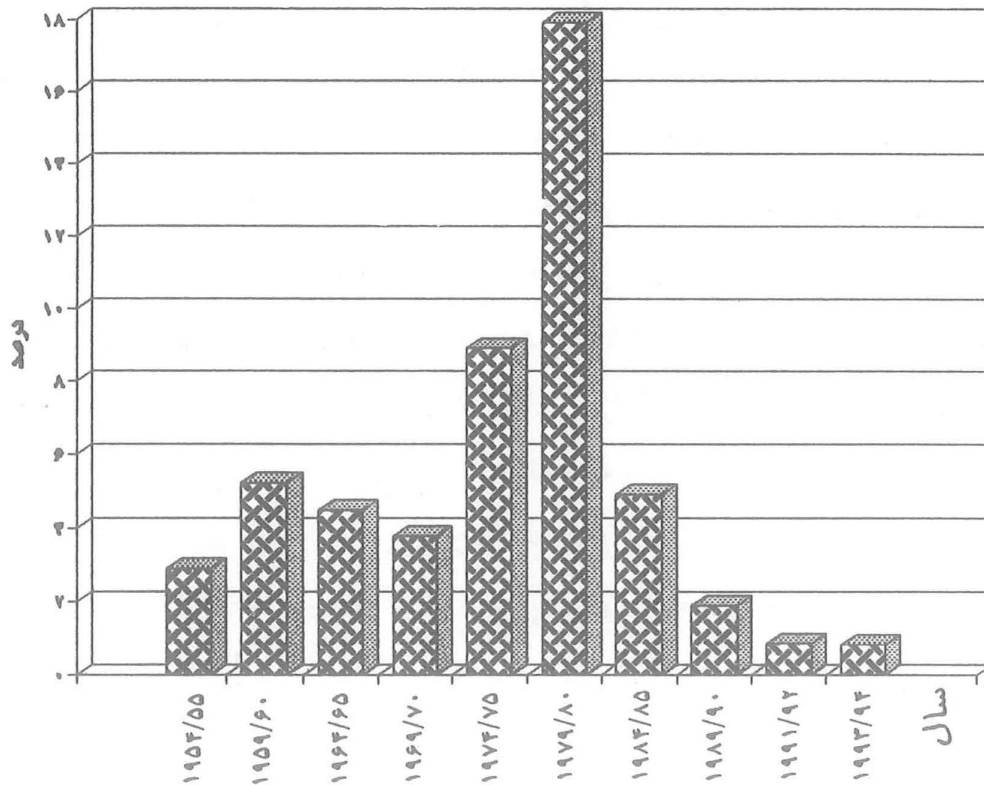
دانشجویان ایرانی طی یک دوره ۲۵ ساله، از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۰، باروند فزاینده‌ای برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شده‌اند. بنابر گزارشها در سال ۱۹۸۰ حدود ۵۲ هزار نفر ایرانی با ویزای دانشجویی در آمریکا مشغول به تحصیل بوده‌اند. به رغم کاهش نام‌نویسی سالانه دانشجویان ایرانی در آمریکا، این دانشجویان در سال ۹۴-۱۹۹۳ نیز از بزرگترین گروه‌های دانشجویی خاورمیانه در آن کشور به شمار می‌رفتند. براساس گزارش انتشار یافته از سوی مؤسسه آموزش بین‌المللی (Institute of International Education, 1993-94)، باعنوان درهای باز ۹۴-۱۹۹۳، تعداد جازی (۳۶۲۱ نفر) دانشجویان ایرانی در آمریکا ۵۱ درصد کمتر از چهار سال پیش (۷۴۴۰ نفر) می‌باشد. قابل توجه است که ایران تا سال ۱۹۸۰ بیش از هر کشور دیگری دانشجوی برای تحصیلات عالی به آمریکا فرستاده است (نمودار ۱ و ۲).

سالهای متمادی است که این محقق علاقه مند به تحقیق راجع به دانشجویان ایرانی در آمریکا بوده است. این امر نشأت گرفته از عوامل زیادی است که از مهمترین آنها کثرت مقالات و سخنان مسؤولان در روزنامه ها و مجلات است که نگران دانشجویان ایرانی در آمریکا و موضوع عدم بازگشت تعداد کثیری از آنان به وطن هستند. تعداد زیادی از مسؤولان و صاحب نظران معتقدند که این مسأله برای ایران حائز نیز اهمیت است.

نمودار ۱: تعداد دانشجویان ایرانی در ایالات متحده ۱۹۵۴-۹۴



نمودار ۲: درصد دانشجویان ایرانی در بین کلیه دانشجویان خارجی در ایالات متحده ۱۹۵۴-۹۴



جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران (۱۹۹۲) اعلام نمودند «لازم است که متخصصین ایرانی که مشغول تحصیل در دانشگاه‌های خارجی هستند برای تسریع در امر بازسازی ایران به وطن بازگردند». آقای کنزی (Kanzi, 1993) معاون سابق وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام نمودند که «در حال حاضر ۱۴۰ هزار دانشجو در دانشکده‌های پزشکی تحصیل می‌کنند، از این تعداد ۴۰/۰۰۰ نفر در خارج از کشور و بقیه در ۳۳ دانشگاه در نقاط مختلف کشور مشغول به تحصیل می‌باشند». مسأله اصلی که باید در اینجا به آن توجه شود نگرش این دانشجویان در مورد بازگشت به وطن پس از فارغ التحصیلی است. ریاست محترم جمهوری همچنین در گزارش خود به مردم ضمن بررسی گسترش آموزش عالی و بهداشت فرمودند: «این در شرایطی است که بعضی از دانشگاه‌ها هنوز تکمیل نشده‌اند که باید تکمیل شوند و بسیاری از نیروهایی که در این مدت آموزش می‌دهیم، یاب‌ه‌خارج فرستاده‌ایم درس بخوانند، هنوز برگشته‌اند و به بازار کار نیامده‌اند.»^۱

مسأله مهاجرت ایرانیان متخصص پدیده جدیدی نیست. بر پایه گزارش ارن (Eren, 1962) در مدت چهار سال، بین سالهای ۶۶-۱۹۶۲، ۵۱/۹ درصد کلیه فارغ التحصیلان مهندسی ایران، ۴۰ درصد پژوهشگران و ۱۰ درصد پزشکان، ایران را به قصد کار در خارج از کشور ترک کرده‌اند. تنها در نیویورک تعداد پزشکان ایرانی که در آمریکا دوره دیده‌اند بیشتر از تمام ایران است (Adam, 1968). اگر از اهداف جمهوری اسلامی ایران استقلال اقتصادی و بالابردن تولید ناخالص ملی است، رسیدن به این اهداف متأثر از کمیت و کیفیت افراد متخصص خواهد بود. کشوری با چنین اهدافی تعداد کثیری از نیروهای متخصص خود را به دلیل مهاجرت آنها به کشورهای توسعه یافته‌ای چون آمریکا از دست داده است. هدف از این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات درباره دانشجویان ایرانی در آمریکا، آگاهی از انگیزه اقامت آنها در ایالات متحده و یاب‌بازگشت به جمهوری اسلامی پس از خاتمه تحصیلات است. این پژوهش همچنین اطلاعات مفیدی برای مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای در حال توسعه برای درک بهتر عوامل مهمی که در بازگشت دانشجویان به کشورهایشان مؤثرند فراهم خواهد کرد. با نظر خواهی از دانشجویان ایرانی در آمریکا سوآلهای ذیل مورد سنجش قرار گرفته است:

- ۱- چرا دانشجویان ایرانی به آمریکای آیند؟
- ۲- چه انگیزه‌هایی در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده وجود دارند که بر میل به بازگشت و یاعدم بازگشت دانشجویان کشور تأثیر بخشیده است؟

مروری بر منابع و یافته‌های پژوهشی:

برای بررسی موقعیت دانشجویان ایرانی در آمریکا و بازگشت و یاعدم بازگشت آنها به میهن، منابع و یافته‌های پژوهشی بر محور موضوعهای ذیل بررسی شده‌اند:

- الف - عوامل جذب و دفع که منجر به مهاجرت دانشجویان کشورهای در حال توسعه و اقامت در آمریکا و بازگشت به کشورهاشان پس از پایان تحصیل می شود.
- ب - بررسی شمار دانشجویان ایرانی در آمریکا و بازگشت آنها به وطن

الف - عوامل دفع و جذب

کرافورد گوودوین (Crawford Goodwin) و مایکل نشت (Michael, Nacht) در کتابهای شیفتگی و ناکامی (Fondness and Frustration, 1983)، و انحطاط و نوسازی (Decline and Renewal, 1986) نتیجه تحقیقات خویش در خصوص متخصصان کشورهای برزیل، مکزیک، ترکیه و اندونزی را که به کشورهاشان بازگشته‌اند گزارش داده‌اند. این نویسندگان نارضایتی زیادی در بین متخصصان بازگشته پیدا کردند. آنان گله‌مند بودند که تخصص و شایستگی علمی آنها که با مخارج هنگفت و تلاش بسیار به دست آمده پس از بازگشت به وطن به تنزل گراییده است. مواردی که به ایجاد بعضی از نارضایتی‌های متداول می انجامند از این قرارند:

- ۱- زیرسازی نامناسب تحصیلی،
- ۲- حقوق کم و غیر منصفانه،
- ۳- استفاده نامناسب از تخصص متخصصان به دلیل وجود دیوانسالاری،
- ۴- محیط‌های سیاسی و اجتماعی،
- ۵- تنزل علمی،
- ۶- رنجش از سایر اعضای هیأت علمی،

۷- فرصت اقامت در آمریکا.

اور (Orr, 1971) تحقیقات انجام شده در مورد دانشجویان خارجی را که در کالجها و دانشگاههای آمریکاتحصیل کرده‌اند بررسی کرده‌است. یکی از مهمترین یافته‌های این بررسی مشکلات تطبیقی حرفه دانشجویان خارجی در بازگشت به کشور است. اگرچه ۷۵ درصد آنها قادر بوده‌اند که لااقل قسمتی از حرفه‌ای را که در آمریکا آموخته‌اند مورد استفاده قرار دهند، اما دانشجویانی که دارای دوستان و آشنایان بانفوذ نبودند در پیدا کردن شغل مناسب با مشکلات متعددی برخورد کرده‌اند. یکی دیگر از یافته‌های اصلی بررسی اور این بود که تعداد زیادی از دانشجویان بازگشته با مشکلات سازگاری مجدد روبرو شده‌اند.

یکی از عوامل دافعه که موجب مهاجرت تحصیلکرده‌های شایسته از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته می‌شود رشد کند توسعه اقتصادی است. اساساً، کشورهایی که دارای رشد کند توسعه اقتصادی هستند قدرت کمتری برای جذب افراد تحصیلکرده و متخصص دارند. اگرچنین کشورهایی به تربیت نیروهای متخصص بدون توجه به توسعه اقتصادی و بازار کار ادامه دهند نتیجه‌اش اشباع بازار کار و مهاجرت نیروهای متخصص و باتجربه به کشورهای توسعه یافته خواهد بود. گزارش احمد و حسن (Ahmad and Hassan, 1970) به این واقعیت اشاره می‌کند که اقتصاد کشورهای در حال توسعه‌ای مثل پاکستان، در وضعیتی نیست که بتواند برای لااقل یک سوم بازدهی سالانه نیروهای تحصیلکرده تولید شغل نماید. از این رو، نتیجه گرفته‌اند که دلیل مهاجرت ناشی از «ناتوانی بازار کشور خودی در جذب نیروهای با کفایت کاردان به میزان وسیع و توانایی کشورهای توسعه یافته در جذب نیروهای با کفایت کاردان به میزان وسیع می‌باشد».

قارون و همکاران (۱۳۷۳) ضمن بررسی اهمیت و جایگاه هیأت علمی به این مطلب اشاره می‌نمایند که چون نیروی انسانی دارای تحصیلات عالی (بویژه فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی خارج از کشور) معمولاً از نظر تواناییهای علمی، سازگاری، هماهنگی با محیط شغلی، و آگاهی از حقوق و موقعیت اجتماعی شغل‌های مختلف، شرایط لازم برای تغییر شغل را دارند، احتمال جابجایی آنان بیشتر و تأثیر اختلاف درآمد شغل‌ها بر تصمیم‌گیری آنان بسیار زیاد است. بنابراین، «نخستین قدم برای حفظ و جذب

اعضای هیأت علمی در مراکز آموزش عالی، توجه به ترمیم حقوق و مزایای آنان در جهت ایجاد مزیت نسبی لازم برای بخش است». آنها همچنین ضمن مقایسه حقوق و مزایای هیأت علمی در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده به این مطلب اشاره می کنند که «کسی که هم اکنون در بخش آموزش خارج از کشور شاغل است ابتدا درآمد خود را با درآمد همترانان ایرانی خود می سنجد، سپس از آن در مورد مهاجرت تصمیم گیری می کند».

بررسی و تجزیه و تحلیل همبستگی گلسر (Glaser, 1978) نشان می دهد که عدم مراجعت دانشجویان خارجی به کشورهایشان مربوط به درآمد، کیفیت و کمیت شغل است. مطالعه کاستانو (Castano, 1984) در مورد مهاجرت و بازگشت کلمبیاییها در دهه هفتاد نشان می دهد که اکثر کلمبیاییهایی که به آمریکا مهاجرت کرده اند، مبنای مهاجرت خود را در امکان دسترسی به منابع اقتصادی در کشور میهمان و کمیابی چنین منابعی در وطنشان ذکر کرده اند.

یافته های رادریگز (Rodriguez, 1974) با استفاده از داده های گلسر (Glaser, 1974) در تجزیه و تحلیل عوامل اجتماعی بازگشت در بین دانشجویان خارجی نشان می دهد که منزلت یک دانشجو در کشور متبوعش تعیین کننده تمایل وی برای مهاجرت است، مخصوصاً اگر شخص در معرض تبعیض نژادی و مذهبی نیز باشد. نقش خانواده و وابستگیهای اجتماعی از دیگر عواملی هستند که به بازگشت متخصصان کمک می کنند. یافته های پیل (Peil, 1977) نشان می دهد احتمال بازگشت آنهایی که رابطه نزدیکی با کشورشان دارند بیشتر از آنهایی است که رابطه نزدیکی با کشورشان حفظ نمی کنند.

تحقیقات منون و کارسپیکن (Menon & Carspecken) بر روی دانشجویان هندی دوره دکتری و فوق لیسانس نتیجه گیری می کند که «از شروط اصلی که فرایند مهاجرت را فراهم کرده است، سیاست کشورهای دریافت کننده است که نه تنها فعالانه فارغ التحصیلان با کفایت را جذب می کنند، بلکه به آنها اجازه می دهند بعد از اتمام تحصیلات در آن کشورها بمانند».

مایرز (Myers, 1972) در تحقیق خود از جمله نتیجه گیری می کند که ازدواج با تبعه کشور میزبان در تصمیم گیری برای اقامت دائم تأثیر دارد.

رائو (Rao, 1979) اعلام می‌کند که کشورهای توسعه یافته دانشجویان کشورهای در حال توسعه را به جهت‌های متعدد جذب می‌کنند: پذیرش آسانتر در مؤسسات آموزش عالی کشورهای توسعه یافته، تحصیلات رایگان و اعطای مخارج سفر از طرف دولت و مؤسسه آموزشی کشور میزبان، عدم دسترسی به تجهیزات دانشگاهی ارزنده در کشورهای متبوع و فرصت سیروسیاحت از جمله دلایلی هستند که بیشتر ذکر شده‌اند. رائو و مایرزمعتقدند که اکثر دانشجویان خارجی بعد از اتمام تحصیلات به کشورشان بازمی‌گردند.

نجم (Najmal, 1981) بابه کارگیری الگوی نظریه سرمایه انسانی در تصمیم‌گیری دانشجویان خارجی که قصد تحصیل در آمریکا دارند نتیجه‌گیری می‌کند که میزان بازدهی تحصیلات در آمریکا در بین مهندسان و بخصوص دانشجویان هندی و تایوانی از بهره بالایی برخوردار است و عواملی که در تصمیم دانشجویان تأثیر گذاشته است شامل، کشور متبوع، ثبات سیاسی، فرصت‌های شغلی در کشور خود و وابستگی خانوادگی می‌باشند.

یکی دیگر از مشکلاتی که دانشجویان خارجی با آن مواجه بوده و در منابع و متون پژوهشی نیز به صراحت به آن اشاره نشده است عدم آشنایی فرزندان دانشجویان و متخصصان کشورهای در حال توسعه با زبان کشور متبوع آنهاست. اکثر کودکان و نوجوانان پس از اقامت چند ساله در آمریکا و تحصیل در مدارس آمریکایی، قادر به خواندن و نوشتن به زبان مادری نبوده و حتی در صحبت کردن به زبان مادری نیز مشکل دارند. با این تفصیل، خانواده این‌گونه کودکان و نوجوانان قبل از بازگشت نگران تحصیلات فرزندان خویش بوده و از آن به عنوان انگیزه‌ای برای اقامت در آمریکا استفاده می‌نمایند.

بررسی منابع و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که جاذبه‌ها و دافع‌های بسیاری در امر تحصیلات در خارج از کشور وجود دارند. دانشجویان و خانواده‌هایشان هر کدام در مصلحت خویش می‌اندیشند و دولت‌های کشورهای صنعتی نیز در این باره منافع خود را مقدم می‌دانند. از این جهت، در اکثر موارد بیشتر از یک انگیزه وجود دارد. به عنوان مثال، مسئولان آمریکا به دنبال بین‌المللی کردن آموزش عالی آمریکا، تدارک کمک به دانشجویان جهان سوم و گسترش نفوذ آمریکا در جهان هستند (Jenkins, 1983).

در حالی که نگرانی کشورهای در حال توسعه در خصوص مسأله فرار مغزها جدی است، کشورهای توسعه یافته و بخصوص آمریکا هدف از آموزش دانشجویان خارجی را کمک به این کشورها قلمداد می کنند؛ اما افراد زیادی در مجامع علمی بر این مسأله تأکید دارند که آمریکا در این میان برنده و کشورهای در حال توسعه بازنده هستند. آمریکا با افرادی که از کشورهای دیگر جذب کرده، خیلی عالی عمل کرده است. از جمله این افراد، آلبرت اینشتین (Albert Einstein) و انریکو فرمی (Enrico Fermi) را می توان نام برد (Renze, 1987). بدیهی است که از بعضی از این انگیزه‌ها می توان برای استنباط صحیح از مفاهیم تحصیلات در خارج استفاده کرد.

دانشجویان ایرانی در آمریکا و بازگشت آنها به وطن :

اکثر ایرانیان مقیم آمریکا که به نظرمی رسد رقم آنها به بالای یک میلیون و سیصد هزار نفر برسد فاقد تخصص اند و در آغاز حرکت انقلاب اسلامی در سالهای اول پیروزی انقلاب به دلایل مختلف، از جمله وابستگی به رژیم شاه، جنگ تحمیلی، عدم سازگاری با نظام ارزشی جمهوری اسلامی، سراب خارج از کشور، و انگیزه‌های دیگر، ایران را برای همیشه ترک و به آمریکا مهاجرت نمودند. ایرانیان متخصص در آمریکا در اقلیت قرار دارند و می توان آنها را به دو قشر تقسیم کرد: (۱) کسانی که قبل و بعد از انقلاب اسلامی به قصد اقامت دایم عازم آمریکا گردیده اند و پس از مدتی جذب مراکز علمی تحقیقاتی و صنعتی شده اند و همچون اکثر متخصصان کشورهای در حال توسعه، به دلایل مختلف و به دور از مسایل سیاسی در آمریکا ماندگار شده اند و تمایلی هم به بازگشت به ایران ندارند: (۲) کسانی که برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شده اند و انگیزه نخستین آنها بازگشت به ایران بوده است .

در سال ۵۵-۱۹۵۴ حدود ۹۹۷ دانشجوی ایرانی، یعنی ۲/۹ درصد کل دانشجویان خارجی، با ویزای دانشجویی در آمریکا مشغول تحصیل بودند، و این رقم در سال ۷۵-۱۹۷۴ به ۷۸۰ نفر یعنی ۸/۹ درصد، و در سال ۸۰-۱۹۷۹ به ۵۱۳۱۰ نفر یعنی ۱۷/۹ درصد کل دانشجویان خارجی در آمریکا رسید (نمودار ۱ و ۲). بر اساس گزارش لاک یو (Lockyear, 1979) نیز تعداد دانشجویان همچنان در حال افزایش بوده است، و احتمالاً "بین ۵۰۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ ایرانی با ویزای دانشجویی در آمریکا مشغول به تحصیل

بوده‌اند. گزارش ذیل به وسیله سیل (Sale, 1979) نیز به روشنی بیانگر حجم زیاد دانشجویان ایرانی در آمریکا بوده است.

مشاور دانشجویان خارجی دانشگاه شیکاگو در مورد کالجی در کنتاکی که در «سه سال پیش دانشجوی ایرانی نداشت و هم اکنون دارای ۳۰۰ دانشجوی ایرانی است» سخنرانی کرد. همچنین این رشد در دانشگاه‌های ناحیه واشنگتن حیرت‌انگیز است. به عنوان مثال، در سال ۱۹۶۸، دانشگاه آمریکن دارای ۳ دانشجوی ایرانی بود و امروز دارای ۳۰۰ دانشجوی است. در جورج واشنگتن، تعداد دانشجویان از ۸۲ نفر در بهار ۷۴ به بیش از ۴۰۰ نفر در بهار ۱۹۷۷ افزایش یافت. بنا به گفته پرفسوری در دانشگاه آمریکن، «توافق پرسودی با آوردن افرادی به این‌جا صورت پذیرفته است». وی گفت، «دانشگاه‌هایی که با دریافت شهریه حمایت می‌شوند، با مطالبه از دانشجویان خارجی ترقی فاحشی پیدا کرده‌اند». یک پرفسور در جورج واشنگتن گفت «تعداد زیاد دانشجویان ایرانی می‌تواند اجتماع کل دانشگاه را تغییر دهد». یک پرفسور ایرانی در دانشگاه آمریکن می‌گفت که «مرکز مری‌گاردن، یک کافه تریای دانشجویی، شبیه دانشگاهی در تهران است. در حال حاضر تعداد زیادی دانشجوی ایرانی در آنجا هستند».

پایین بودن ظرفیت دانشگاه‌های کشور، عدم رشد کمی و ارتقای کیفی دانشگاه‌ها به میزان رشد کمی و ارتقای کیفی فارغ‌التحصیلان متوسطه، بالا رفتن قیمت نفت و در نتیجه افزایش درآمد ارزی از ۳۴ میلیون دلار در سال ۱۹۵۴ به ۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۴، سیاست وابستگی تخصصی به دانشگاه‌های خارج از کشور، تقویت دانشگاه‌های آمریکا، اهمیت کسب علم، و عوامل دیگر موجب مهاجرت تعداد زیادی از نیروهای انسانی کشور به کشورهای توسعه یافته بویژه آمریکاتحت عنوان ادامه تحصیل شد.

به طور کلی پدیده عدم بازگشت دانشجویان کشورهای در حال توسعه به وطنشان موجب نگرانی این کشورها بوده است. بی‌بی‌سی (بنگاه سخن پراکنی انگلیس) در گزارشی اعلام نمود که «مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در خصوص این پدیده صادر کرده است. در این قطعنامه پیشنهاد شده که اعضا باید به عنوان یک موضوع فوری توجه خاصی به تنظیم سیاست‌هایی با دید کاهش اثرات سوء انتقال معکوس تکنولوژی بپردازند». همچنین پیشنهاد شده که کشورهای توسعه یافته «باید کشورهای در حال توسعه را در جهت بهره‌برداری کامل از کارکنان آموزش دیده آنها در ترفیع توسعه

اقتصادی - اجتماعی کمک و پشتیبانی نمایند» (1983 و BBC). اگرچه کشورهای توسعه یافته برنامه دانشجویان خارجی را به عنوان قسمتی از کمکهایشان به کشورهای در حال توسعه ذکر می کنند، اما تعداد زیادی از این کشورها از جمله آمریکا، انگلستان، فرانسه، و ایتالیا به مخالفت با این قطعنامه رأی دادند. مشکل فرار مغزها و عدم بازگشت دانشجویان پدیده تازه ای نیست. کنفرانس بین المللی آموزش در سال ۱۹۶۶ (تهران)، موضوع فرار مغزها را به عنوان مشکل تمامی کشورهای در حال توسعه مطرح کرد.

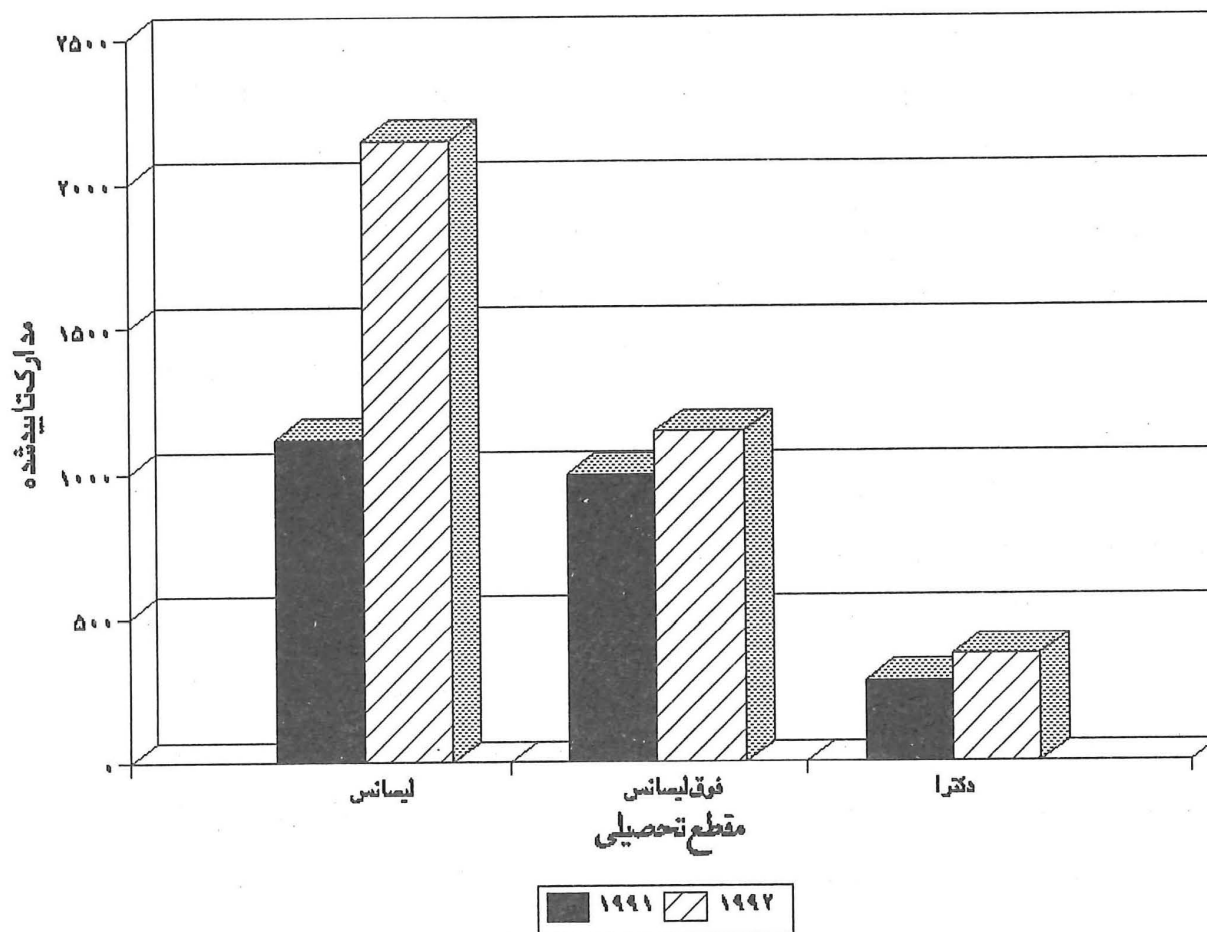
یکی از بزرگترین اشکالات در انبساط آماری بازگشت، عدم وجود داده ها در مورد دانشجویانی است که بازمی گردند و در کشور ماندگاری شوند. اگرچه اداره مهاجرت و تابعیت آمریکا (US Immigration & Naturalization Service) بازگشت و یا عدم بازگشت دانشجویان خارجی به کشورهایشان را زیر نظر ندارد، اما ورود و خروج ایرانیان در دوران گروگان گیری با استفاده از نیروهای فوق العاده اداره مهاجرت و تابعیت کنترل می گردید. بر طبق گزارش سالانه این اداره که زیر پوشش وزارت دادگستری آمریکا (US Department of Justice, 1988) فعالیت می کند، از نوامبر ۱۹۷۹ تا سپتامبر ۱۹۸۰، ۲۴۴۰۱ ایرانی آمریکار ترک کرده و ۱۹۶۳۹ نفر وارد آمریکا شده اند. در این گزارش اشاره ای به تعداد فارغ التحصیلان مراکز آموزش عالی آمریکان شده است. به علت عدم دسترسی به آمار دقیق دانشجویان ایرانی که پس از پایان تحصیلات به جمهوری اسلامی ایران بازگشته اند و مدارک آنها را وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارزیابی نموده است، از اطلاعات انتشار یافته دفتر حفاظت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن دی سی استفاده گردید. این دفتر تأیید کلیه مدارک دانشجویان ایرانی در آمریکارابه عهده دارد و دانشجویان ایرانی که قصد بازگشت به کشور را دارند باید مدارک تحصیلی خود را به تأیید این دفتر برسانند. در نتیجه، می توان فرض کرد که تعداد زیاد، اما نامشخصی، پس از تأیید مدارک به جمهوری اسلامی باز می گردند (نمودار شماره ۳).

متأسفانه پدیده جذب نیرو با توجه به مشکلات عدیده رسیدگی به امور جنگ در مرزهای حساس کشور، که مسئولان نظام را برای مدت هشت سال به خود مشغول داشت، آن طور که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفت. تأسیس دفتر جذب نیروهای متعهد و متخصص در نخست وزیری آغاز قدمی مثبت بود که می توانست با برنامه ریزیهای مناسب در جذب نیروهای متخصص خارج از کشور مؤثر باشد. متأسفانه این دفتر پس از

مدتی به علت عدم کارایی تحت پوشش وزارت کار و امور اجتماعی درآمد که فعالیت در جذب نیروهای متخصص مقیم آمریکا از آن مشاهده نشده است. «برای بررسی مشکلات مهاجران ایرانی در خارج از کشور و طرح‌ریزی برنامه‌های فرهنگی مرکزیتی لازم است که دانسته‌ها را جمع‌آوری و نظرهای ارگانهای ذیربط را جویا شود و سپس باتوجه به امکانات موجود اقدام به فعالیت کند. اما اکنون متأسفانه مرکزیت مشخصی وجود ندارد... بی‌تردید در صورت شناسایی ایرانیان مقیم خارج کشور وجود عده‌ای از آنها می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد، و تنها تعدادی بوده و خواهند بود که وجودشان محل منافع ملی است»^۲.

نمودار ۳ - وضعیت مدارک تأیید شده در دفتر حفاظت منابع جمهوری اسلامی ایران در آمریکا در سالهای

۱۹۹۱ و ۱۹۹۲



روش انجام پژوهش

طرح تحقیق

یک طرح تحقیق همبستگی (Correlational research) برای این مطالعه انتخاب شده بود. انتخاب این طرح به این جهت بود که تحقیق همبستگی در صدد رسیدگی به روابط ممکن در بین متغیرهاست بدون آنکه سعی در تأثیرگذاری بر روی آنها را داشته باشد.

نمونه و روش نمونه گیری :

جمعیت آماری شامل دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در آمریکا بود. سعی شد که سیاهه دانشجویان ایرانی از مؤسسه بین‌المللی آموزش گرفته شود ولی این مؤسسه ضمن اعلام این مطلب که فاقد نام و نشانی جاری دانشجویان است دادن اطلاعات شخصی راجع به دانشجویان را برخلاف خط مشی مؤسسه دانست. تلاش دیگری صورت گرفت که سیاهه دانشجویان ایرانی از اداره مهاجرت و تابعیت آمریکا و دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن دی سی گرفته شود که اعلام نمودند که اجازه دادن چنین اطلاعاتی را ندارند. ناگزیر، به علت عدم دسترسی به نام و نشانی پستی کلیه دانشجویان ایرانی، فهرستی ۱۲۰۰ نفره متشکل از اطلاعات پستی دانشجویان ایرانی (باگرایشهای سیاسی نامشخص که از طرف یک انجمن دانشجویان ایرانی تهیه شده بود) و چندین دفتر تلفن جاری دانشگاههای بزرگ که ایرانیان در آنها تمرکز بیشتری دارند جمع آوری گردید. سپس بانمونه گیری تصادفی ۳۰۰ دانشجوی ایرانی انتخاب شدند.

ابزار تحقیق :

پرسشنامه‌ای به زبان فارسی برای مشخص کردن عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری دانشجویان ایرانی برای بازگشت به جمهوری اسلامی ایران و یا اقامت در ایالات متحده پس از اتمام تحصیلات تهیه شد. ابزار تحقیق براساس رهنمودهای پیشنهادی دیلمن (Dillman, 1978) برای تهیه پرسشنامه‌های پستی، تحقیقات موجود، بررسی

متخصصان جهت صحت مندرجات و طرح راهنما تهیه گردید. دیلمن ضمن مقایسه روش‌های مصاحبه حضوری، بررسی پیمایشی تلفنی (Telephone Survey) و پرسشنامه پستی نتیجه‌گیری می‌کند که مناسبترین روش گردآوری داده‌ها باکمترین تعصب، روش پرسشنامه پستی است، زیرا به دریافت داده‌های صحیح و بیشتری می‌انجامد و، در نتیجه، تجزیه و تحلیل دقیق‌تر خواهد بود. پرسشنامه در چهار قسمت تهیه شده بود. (۱) ویژگیهای جمعیت شناختی (۲) دلایل آمدن به آمریکا (۳) تصمیم به بازگشت و یا عدم بازگشت و (۴) عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری دانشجویان ایرانی مبنی بر بازگشت و یا عدم بازگشت به جمهوری اسلامی ایران.

روش جمع آوری داده‌ها

درحین تنظیم پرسشنامه، این احتمال داده شد که شاید دانشجویان ایرانی در بیان نگرش واقعیشان نسبت به موضوعات حساس درخصوص ایران و آمریکا اکراه داشته باشند و یا پاسخ مصلحتی بدهند. باتوجه به این مسأله فرض گردید که اگر پاسخ‌دهندگان ناشناس بمانند، به احتمال قوی آزادانه و بی‌پرده به سؤاها پاسخ خواهند داد. لذا، نامه‌ای توضیحی تهیه شد که در آن ضمن تشریح هدف مطالعه، بر ضرورت جوابهای صادقانه و بی‌پرده در موفقیت تحقیق و تضمین گمنام ماندن پاسخ‌دهندگان تأکید شده بود. این نامه همراه با پرسشنامه و پاکت تمبردار به نشانی ۳۰۰ دانشجوی ایرانی ارسال گردید. دو هفته پس از ارسال اولین پرسشنامه‌ها یک پیگیری کارت پستالی به عمل آمد که طی آن ضمن تشکر از کسانی که با پاسخهای خود به انجام این مطالعه یاری کرده‌اند، از هموطنانی که به پرسشنامه‌ها پاسخ نداده‌اند درخواست همکاری گردید. چهار هفته پس از ارسال اولیه پرسشنامه‌ها، دومین پیگیری شامل نامه توضیحی و تأکید مجدد بر ناشناس ماندن پاسخ‌دهندگان به عمل آمد. این بار نیز پرسشنامه و پاکت تمبردار برای کلیه دانشجویان (به علت نامشخص بودن پاسخگرانی که پرسشنامه‌ها را اعاده داده بودند) فرستاده شد. شش هفته پس از ارسال اولین دسته از پرسشنامه‌ها، ۱۳۰ پرسشنامه تکمیل شده دریافت گردید. این تعداد کافی و بیشتر از آن تعدادی بود که فرانکل و والن (Fraenkel and Wallen, 1990) برای تحقیقات همبستگی پیشنهاد داده‌اند. باتوجه به ارسال اولین و دومین پیگیری برای کلیه دانشجویان و تضمین ناشناس

ماندن پاسخ دهندگان، برداشت این محقق و صاحب نظران روش شناسی براین بود که پاسخ دهندگان بدون هیچگونه اجبار و با آزادی کامل پرسشنامه‌ها را تکمیل و اعاده نموده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها:

برای پیدا کردن همبستگی بین تصمیم به بازگشت و عوامل مؤثر بر بازگشت و یاعدم بازگشت دانشجویان ایرانی، نقطه همبستگی دورشته (Point biserial) استفاده گردید. «Point biserial زمانی استفاده می‌شود که نیاز به سنجش روابط بین یک متغیر دوگانه (Dichotomous) و یک متغیر پیوسته (Continuous) باشد» (Dubois, 1965). اسم و منطق rpb منسوب به کارل پیرسون (Carl Pearson) است (Glass & Stanley, 1970). در این تحقیق، متغیر تصمیم به بازگشت، به صورت دوگانه‌ای (آیا قصد بازگشت به ایران را دارید؟ بلی [] خیر []) و متغیرهای عوامل بازگشت و یاعدم بازگشت، به صورت مقیاس رتبه‌ای (که طی آن دانشجویان با نمره‌های متعدد ۱ ۲ ۳ ۴ میزان تأثیر عواملی را مشخص نمودند) تنظیم شده بود. در چنین شرایطی استفاده از r ضریب همبستگی Product-moment پیرسون به عنوان مقیاس رابطه بین متغیرها به علت دوگانه بودن یکی از متغیرها عملی نخواهد بود. برای حل این مسأله از rpb ضریب همبستگی نقطه دو رشته با دادن نمره به متغیر دوگانه (بله = ۰، خیر = ۱) استفاده شد. از لحاظ جبری $rpb = r$ است (Howell, 1987). منتها، جواب به جای rpb ، r خوانده می‌شود تا بدینوسیله ماهیت داده‌هایی را که از آن ضریب همبستگی rpb حساب شده است نشان دهیم (Howell, 1985).

به خاطر حجم زیاد داده‌ها و پیچیدگی تجزیه و تحلیل آنها استفاده از کامپیوتر به لحاظ کارایی، سرعت، دقت و سایر قابلیت‌های آن لازم به نظر می‌رسید. اگر داده‌ها بدون اشتباه تهیه شود و تجزیه و تحلیل مناسب باشد، نتیجه بدون اشتباه خواهد بود. از این روی، باتوجه به وجود برنامه‌های کامپیوتری مختلف برای تجزیه و تحلیل، به منظور اطمینان از صحت کامل تجزیه و تحلیل از نظام تجزیه و تحلیل آماری (SAS) استفاده گردید.

به خاطر اینکه توصیف لغوی یک همبستگی قویاً مشروط بر معیاری است که

به وسیله آن ارزیابی صورت می‌گیرد، برای داشتن ثبات در به کار بردن واژه‌ها در تشریح مقدار ضریب، داشتن وسیله سنجش لازم به نظر می‌رسد. هر چند که در متون روشهای تحقیق انسجام زیادی در این باب وجود ندارد، در این مطالعه از رهنمودهای گیلفورد (Guilford, 1956) به شرح ذیل استفاده شد:

$< 0/2$	ناچیز
$0/2-0/4$	همبستگی کم
$0/4-0/7$	همبستگی متوسط
$0/7-0/9$	همبستگی زیاد
$> 0/9$	همبستگی بسیار زیاد

یافته‌ها و توضیحات

ویژگیهای دانشجویان ایرانی

- ویژگیهای دانشجویان ایرانی که پرسشنامه را تکمیل و اعاده نموده‌اند به شرح زیر است:
- ۱- ترکیب سنی: $25/38$ درصد گروه سنی $20-30$ ، $63/08$ درصد گروه سنی $31-40$ ، و $11/54$ درصد بقیه در گروه سنی بالاتر قرار می‌گیرند.
 - ۲- جنس: $79/23$ درصد مرد و $20/77$ درصد زن هستند.
 - ۳- وضعیت تأهل: $28/46$ درصد مجرد، و $71/54$ درصد متأهل هستند که از این میان $84/04$ درصد با ایرانی، $14/89$ با آمریکایی و $1/06$ درصد با عرب زبان ازدواج کرده‌اند. در ضمن، $67/50$ درصد دارای فرزند و بقیه فاقد فرزند هستند.
 - ۴- مدت اقامت در آمریکا: $19/23$ درصد بین ۱ تا ۵ سال؛ $28/46$ درصد ۶ تا ۱۰ سال؛ $36/92$ درصد ۱۱ تا ۱۵ سال و $15/38$ درصد بقیه بیش از ۱۵ سال در آمریکا اقامت داشته‌اند.
 - ۵- سفر به ایران: 90 درصد در طول مدت اقامت خود در آمریکا به وطن سفر کرده‌اند.
 - ۶- در قید حیات بودن والدین: $73/08$ درصد پدر و مادر، $18/60$ درصد مادر، و $2/31$ درصد پدر در قید حیات بوده و $6/53$ درصد بقیه از در قید حیات بودن پدر و مادر محروم بوده‌اند.

۷- تحصیلات مادر: ۴۸/۴۶ درصد کمتر از ششم ابتدایی، ۲۰/۷۸ درصد بین ششم ابتدایی و کمتر از دیپلم، ۱۵/۳۸ درصد دیپلم، ۵/۳۸ درصد فوق دیپلم، ۴/۶۲ درصد لیسانس، ۳/۵۸ درصد فوق لیسانس و ۱/۵۴ درصد مدرک دکتری داشته‌اند.

۸- تحصیلات پدر: ۳۶/۱۵ درصد کمتر از ششم ابتدایی، ۲۰/۷۸ درصد بین ششم ابتدایی و کمتر از دیپلم، ۱۶/۱۵ درصد دیپلم، ۳/۸۵ درصد فوق دیپلم، ۱۲/۳۱ درصد لیسانس، ۵/۳۸ درصد فوق لیسانس و ۵/۳۸ درصد نیز دارای دکتری بوده‌اند.

۹- سطح تحصیلات قبل از ورود به آمریکا: ۱۳/۰۸ درصد کمتر از دیپلم، ۵۶/۱۵ درصد دیپلم، ۵/۳۸ درصد فوق دیپلم، ۱۷/۶۹ درصد لیسانس، و ۷/۶۹ درصد دارای مدرک فوق لیسانس بوده‌اند.

۱۰- دوره تحصیلی در آمریکا: ۰/۷۷ درصد فوق دیپلم، ۱۰ درصد لیسانس، ۲۷/۶۹ درصد فوق لیسانس، و ۶۱/۵۴ درصد دانشجویان در شرف اخذ دکتری و یا فوق دکتری هستند.

۱۱- رشته تحصیلی: ۵۴/۲۱ درصد مهندسی، ۲۰/۷۷ درصد علوم پزشکی، ۸/۴۶ درصد کشاورزی، ۶/۱۵ درصد ریاضیات و کامپیوتر، ۳/۰۸ درصد آموزشی، ۳/۰۸ درصد علوم اجتماعی، ۲/۳۱ درصد مدیریت، و ۱/۵۴ درصد در رشته‌های علوم انسانی مشغول به تحصیل هستند.

۱۲- وضعیت شغل: ۴۶/۴۲ درصد شاغل، و بقیه فقط دانشجو هستند. از میان شاغلان ۴۸/۷۴ درصد اعلام کرده‌اند که در رشته تحصیلی خود مشغول به کار می‌باشند.

۱۳- وضعیت ویزا: ۴۶/۹۲ درصد دانشجویان ویزای دانشجویی، ۴۴/۶۲ درصد کارت سبز و ۵/۳۸ درصد اقامت موقت دارند؛ ۰/۷۷ درصد تبعه هستند و ۲/۳۱ درصد نیز نوع ویزای خود را مشخص نکرده‌اند. همچنین ۸۸/۴۶ درصد دانشجویان اولین بار با ویزای دانشجویی وارد آمریکا شده‌اند.

دلایل آمدن به آمریکا:

مروری بر یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان ایرانی به دلایل مختلفی به آمریکا می‌آیند. ۶۰ نفر از پاسخ دهندگان انگیزه آمدن به آمریکا را کمک به کشور خود در پرتو کسب علم اعلام کرده‌اند. ۵۳ نفر از دانشجویان انگیزه آمدن به آمریکا را گرفتن مدرکی با

اعتبار و ارزش ذکر نموده‌اند. از میان ۱۰ انگیزه محتملی که در ذیل «دلیل آمدن به آمریکا» طبقه‌بندی شده بود فقط دو انگیزه را اکثر پاسخ دهندگان ذکر کرده‌اند: «کمک به کشورم» و «گرفتن مدرک تحصیلی بهتر». در میان انگیزه‌ها و دلایل دیگر، به مشکل قبول شدن در دانشگاه‌های ایران، زندگی بهتر، کمک به خانواده پس از اخذ مدرک تحصیلی عالی، و تجهیزات آموزشی بهتر در آمریکا اشاره شده است. این بررسی نشان می‌دهد که فقط دو دانشجوی از ابتدا قصد مهاجرت به آمریکا را داشته‌اند و در آغاز نیز به نام دانشجوی به خارج می‌روند. دیدن کشور آمریکا و مشکلات سیاسی نیز برای تعداد کمی از دانشجویان ایرانی از انگیزه‌های مهم بوده‌اند (جدول شماره ۱).

بازگشت دانشجویان :

در این پژوهش اکثر پاسخ دهندگان (۶۹/۲۳ درصد) نیت خویش را در بازگشت به جمهوری اسلامی ایران بعد از اتمام تحصیلات اعلام نموده‌اند. این یافته‌ها مطابق یافته‌های پژوهشی قبلی (Rao, 1979, Myers, 1972) است. به طور کلی، اعتقاد بر این است که اکثر دانشجویان به کشورهای خود بازمی‌گردند، اما اقلیتی که اقامت در کشورهای توسعه یافته را انتخاب می‌کنند، تأثیر مستقیمی بر روی کمبود نیروهای انسانی متخصص کشورهای خود خواهند داشت. عواملی که بازگشت و یا عدم بازگشت دانشجوی را تقویت می‌کنند در جداول شماره ۲ و ۳ فهرست شده‌اند. تخمین اهمیت براساس ضریب همبستگی (rpb) یک عامل، و میزانی که به احتمال زیاد می‌تواند بر روی تصمیم به بازگشت و یا عدم بازگشت تأثیر گذارد می‌باشد. آزادی شخصی (rpb = ۰/۷۴)، فرصت مناسب برای اقامت در آمریکا (rpb = ۰/۷۰)، جوکاری بهتر (rpb = ۰/۶۸)، جو سیاسی مناسب (rpb = ۰/۶۷)، شانس بیشتر برای پیشرفت در تخصص (rpb = ۰/۶۶)، زندگی راحت‌تر (rpb = ۰/۶۵)، فرصت تحصیلی بهتر (rpb = ۰/۶۲) درآمد بیشتر (rpb = ۰/۶۱)، و استفاده مناسب از تخصص (rpb = ۰/۵۹)، همبستگی زیاد و متوسط با تصمیم دانشجوی جهت اقامت در ایالات متحده آمریکا دارند.

از طرف دیگر، آزادی شخصی (rpb = ۰/۷۰)، زندگی راحت‌تر (rpb = ۰/۷۰)، امنیت جانی (rpb = ۰/۶۹)، جو سیاسی قابل قبول (rpb = ۰/۶۷)، تبعیض علیه ایرانیان (rpb = ۰/۶۴)، زندگی اجتماعی قابل قبول (rpb = ۰/۶۳)، کمک فکری به خانواده

($rpb = 0/51$)، جوکاری بهتر ($rpb = 0/47$)، ودوری از فرهنگ و مذهب
 ($rpb = 0/44$)، همبستگی زیاد و متوسطی باتصمیم دانشجوی جهت بازگشت به جمهوری
 اسلامی ایران دارند. اگرچه گریز از خدمت سربازی ($rpb = 0/39$)، زندگی اجتماعی
 مناسب ($rpb = 0/38$)، حمایت پدر و مادر، دلایل اقتصادی ($rpb = 0/35$)، و مؤسسات
 تحقیقاتی ($rpb = 0/33$)، آمریکا امکان

جدول ۱: دلایل آمدن دانشجویان ایرانی به آمریکا

مورد*	دلایل
۶۰	- برای کمک به کشورم و یا اخذ تحصیلات عالی
۵۳	- برای گرفتن مدرک تحصیلی بهتر
۳۰	- در ایران نتوانستم وارد دانشگاه شوم
۲۴	- برای داشتن موقعیت زندگی بهتر
۱۷	- برای کمک به خانواده ام پس از اخذ مدرک تحصیلی عالی و داشتن درآمد بهتر
۱۳	- فضای سیاسی نامناسب
۶	- برای بهبودی مؤسسه‌ای که در آن کار می‌کردم به وسیله اخذ تحصیلات عالی
۵	- رشته تحصیلی مورد علاقه ام در ایران وجود نداشت
۳	- برای دیدار از کشور آمریکا
۲	- برای گرفتن اقامت دائم
۹	- دلایل دیگر

* - در پاره‌ای از موارد پاسخ‌دهندگان بیش از یک دلیل را ذکر کرده‌اند.

جدول ۲: میزان تأثیر عوامل مهمی که احتمالاً سبب می‌شود تا دانشجو بعد از اتمام تحصیلات خود در آمریکا اقامت نماید.

عوامل	rpb
- آزادی شخصی	٪۷۴
- فرصت مناسب برای اقامت در آمریکا	٪۷۰
- جوکاری بهتر	٪۶۸
- جو سیاسی قابل قبول	٪۶۷
- شانس بیشتر برای پیشرفت در تخصص فرد	٪۶۶
- زندگی راحت‌تر	٪۶۵
- فرصت تحصیلی بهتر	٪۶۲
- درآمد بیشتر	٪۶۱
- استفاده مناسب از تخصص	٪۵۹
- خدمت سربازی	٪۳۹
- زندگی اجتماعی قابل قبول	٪۳۸
- حمایت مالی از پدر و مادر	٪۳۵
- مؤسسات تحقیقاتی موجود	٪۳۳
- نیاز به تخصص فرد در آمریکا	٪۲۱
- ازدواج با غیر ایرانی	٪۱۴
- اقلیت مذهبی	٪۱۳
- تحصیلات فرزندان خود	٪۸

$P < ٪۰.۵$

جدول ۳: میزان تأثیر عوامل مهمی که احتمالاً سبب می‌شود تا دانشجو بعد از اتمام تحصیلات خود در آمریکا به ایران بازگردد.

عوامل	rpb
- آزادی شخصی	٪۷۰
- زندگی راحت‌تر	٪۷۰
- امنیت جانی	٪۶۹
- جوسیاسی قابل قبول	٪۶۷
- تبعیض نژادی علیه ایرانیان	٪۶۴
- زندگی اجتماعی قابل قبول	٪۶۳
- تقاضای بازگشت از سوی پدر و مادر برای حمایت عاطفی	٪۵۱
- جوکاری بهتر	٪۴۷
- دوری از فرهنگ و مذهب	٪۴۴
- دوری از خانواده	٪۴۰
- ازدواج با ایرانی	٪۳۵
- اتمام ویزا	٪۳۴
- نیاز به تخصص فرد در ایران	٪۳۱
- دوری فرزندان از فرهنگ و مذهب	٪۲۶

$P < ٪۵$

اقامت در آن کشور را زیاد می‌کند، اما میزان بازگشت نیز با توجه به عواملی چون دوری از خانواده (rpb = ٪۴۰)، ازدواج با ایرانی (rpb = ٪۳۵)، اتمام ویزا (rpb = ٪۳۴)، احتیاج به تخصص (rpb = ٪۳۱)، و دوری از فرهنگ و مذهب (rpb = ٪۲۶)، افزایش می‌یابد.

بدیهی است که بررسی عواملی که به نحوی در تصمیم دانشجویان مبنی بر بازگشت و یا عدم بازگشت به جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته‌اند حایز اهمیت است. البته واضح است که این تصمیم همیشه نتیجه گرایشهای گوناگون می‌باشد. انگیزشهای

بازگشت و یا عدم بازگشت دو اشخاص مختلف است. اگرچه این تصمیم‌گیری تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار می‌گیرد، لیکن خیلی اوقات تنها یک انگیزه می‌تواند عامل اصلی باشد. به طور مثال، ازدواج با آمریکایی امکان دارد انگیزه اقامت در آمریکا را افزایش دهد، و یا جدا شدن از فرهنگ و مذهب تصمیم بازگشت دانشجوی ایرانی به وطن را تقویت کند. حمایت خانواده و دلایل اقتصادی تنها دلیل ماندن دانشجو در آمریکا نیست، اما زمانی که به عنوان یک انگیزه مهم مطرح می‌شود می‌تواند در تصمیم به بازگشت و یا عدم بازگشت دانشجو تأثیر مستقیمی داشته باشد.

آزادی شخصی، جو سیاسی قابل قبول، زندگی راحت تر:

در اکثر موارد، در منابع اشاره می‌شود (Najmal, 1981; Rao, 1979) که تنها در کشورهای صنعتی است که می‌توان به زندگی راحت‌تر، آزادی شخصی و جو سیاسی مناسب دست یافت. اگرچه آزادی شخصی (۷۴٪ = rpb)، جو سیاسی قابل قبول (۶۷٪ = rpb)، و زندگی راحت‌تر (۶۵٪ = rpb)، همبستگی زیاد و متوسطی با تصمیم تعدادی از دانشجویان جهت اقامت در ایالات متحده آمریکا دارند، اما اکثر دانشجویان ایرانی احساس می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران نیز دارای چنین خصوصیتی است، و آرزو دارند به آن بازگردند. به هر حال، بنا بر برداشت و تعریف آنها وجود زندگی راحت‌تر (۷۰٪ = rpb)، آزادی شخصی (۷۰٪ = rpb)، و جو سیاسی قابل قبول (۶۷٪ = rpb)، تنها در ایالات متحده آمریکا محدود نمی‌شوند.

درآمد:

پاسخ کسانی که قصد بازگشت ندارند (۶۱٪ = rpb)، موافق با یافته‌های تحقیقات پیشین (Castano, 1984, Glaser, 1978; Goodwin & Nacht, 1986, 1983) مربوط به درآمد و تفاوت حقوق اعضای هیأت علمی خارج از کشور و ایران است (قارون و همکاران ۱۹۹۵). در این باره، تأکید بر دو نکته ضروری است. اولاً، درآمدهای شغلی و پیشرفت‌های موجود در ایران حتماً نباید مساوی درآمدهای شغلی و پیشرفت‌های موجود در آمریکا باشد؛ ثانیاً، اکثر پزشکان، مهندسان و به طور کلی دانشجویان ایرانی، مثل مردم کشورهای دیگر، ترجیح می‌دهند که به مملکت خود بازگردند. وطن جایی است که در آن خانواده، فرهنگ و ریشه دانشجویان تنیده است. اکثر آنها آشنایی و علاقه

نسبی به مردم، فرهنگ و زبان خویش دارند. جهت تغییر و تحولات در جمهوری اسلامی ایران، و توسعه اقتصادی و استحکام سیاسی نقش مهمی در بازگشت متخصصان بازی می‌کنند. اگر به نظر برسد که دورنمای رشد اقتصادی خوب، موقعیت سیاسی مستحکم، و فرصتهای کاری در حال رشد است، آن موقع بازگشت افزایش پیدا خواهد کرد و این واقعیتی انکارناپذیر است، هر چند که از لحاظ پیشرفتهای علمی و اقتصادی فاصله زیادی بین ایران و آمریکا وجود دارد. بعضی دانشجویان ایرانی به رغم میل باطنی جهت بازگشت به جمهوری اسلامی ایران، مشکلات اقتصادی کشور را سدی در راه بازگشت به کشور خود می‌دانند. دانشجویی که سالها با مشکلات فراوان و با سرمایه‌گذاری خود و پدر و مادر در اکثر موارد، در کشور بیگانه تحصیل کرده است، انتظار این را دارد که پس از اتمام تحصیلات از علم خویش در تشکیل خانواده، تربیت فرزندان مفید و کمک به پیشرفتهای علمی جامعه استفاده نماید. به طور کلی، عوامل اقتصادی که موجب مهاجرت نیروهای متخصص به کشورهای توسعه یافته است، همان عوامل نیز می‌توانند با حفظ ارزشها، باعث جذب نیروهای متخصص به جمهوری اسلامی ایران باشند.

پیشرفت در تخصص، فرصت تحصیلی بهتر و استفاده مناسب از تخصص:
پاسخ کسانی که قصد بازگشت ندارند در خصوص پیشرفت در تخصص ($rpb = 66\%$)،
فرصت تحصیلی بهتر ($rpb = 62\%$)، و استفاده مناسب از تخصص ($rpb = 59\%$)،
موافق با یافته‌های تحقیقات پیشین (Goodwin & Nacht, 1986, 1983; Castano, 1984; Najmal, 1981; Rao 1979)
توسعه یافته، شاهد کمبود نیروهای متخصص شایسته در اکثر رشته‌ها بویژه رشته‌های
مهندسی و پزشکی است. دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی آمریکا با عرضه فعالیتهای
تحقیقاتی به دانشجویان توانا و با استعداد کشورهای مختلف، از نیروهای خارجی
استفاده مناسب می‌کنند. نقش دانشجویان خارجی در پیشرفت علم و صنعت کشورهای
توسعه یافته و بخصوص آمریکا بر صاحب نظران آموزش عالی پوشیده نیست.

فرصت مناسب برای اقامت در آمریکا:

یکی دیگر از عواملی که در تصمیم به عدم بازگشت دانشجویان ایرانی تأثیر می‌گذارد، فرصت مناسب برای اقامت دایم در آمریکا است ($rpb = 70\%$)، که منون و کارسپیکن (1990) در تحقیقات خود در خصوص دانشجویان هندی بر آن تأکید ورزیده‌اند. ایالات متحده همواره دنباله‌رو سیاستی میانه‌رو در مهاجرت خارجی‌ان به آن کشور بوده است. شروط عمومی برای مهاجرت به نحوی است که دانشجویان خارجی را به اقامت دایم تشویق می‌کند. قوانین روادید دانشجویی به شکل موجود در جهت مساعدت به دانشجویان خارجی برای اقامت در آمریکا و استفاده از تخصص متخصصان با کفایت تدوین شده است. به عنوان مثال، از سال ۱۹۸۶ تعداد زیادی از ایرانیان بر طبق قانون بخشودگی با استفاده از تسهیلات موفق به دریافت کارت اقامت دایم (کارت سبز) گردیده‌اند.

زندگی اجتماعی:

زندگی اجتماعی در ایران ($rpb = 63\%$) یکی دیگر از عواملی است که باعث جذب دانشجویان شده است. اما مشکل آنهایی که قصد بازگشت ندارند با مشکلاتی که بعضی از متخصصان با ذوب شدن در فرهنگ ایرانی و قبول زندگی اجتماعی ایرانی پس از اقامت طولانی مدت در آمریکا تجربه می‌کنند تفاوت دارد. این تحقیقات یافته‌های اور (Orr, 1971)، را در خصوص مشکلات تطبیقی رو در روی دانشجویان بازگشته تأیید می‌کند. این دانشجویان ممکن است در مورد مشکلات بزرگ و تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی که در جامعه صورت گرفته است احساسی متفاوت با هموطنان خویش داشته باشند. ارتباط آنها سالهای طولانی با توده‌های مردم به خاطر سطح تحصیلات و غوطه‌ور شدن در فرهنگ غرب قطع بوده است. از سوی دیگر، خانواده و اجتماع نیز علاقه کمی در اصلاح فرهنگی و تواناییهایی که آنها می‌توانند در توسعه کشور خود داشته باشند از خود نشان می‌دهند. به علاوه، از عوامل دیگری که افزایش میزان عدم بازگشت را استمرار می‌بخشد خوگرفتگی بعضی از دانشجویان با معیارهای زندگی غربی است، آن هم به حدی که متأسفانه کاملاً "تحت تأثیر زندگی اجتماعی آنها در غرب گرفته‌اند.

امنیت جانی:

بی حرمتی، هتک ناموس و جنایت در آمریکا در حدی است که برای بسیاری از دانشجویان خارجی در زمان اقامت آنها در کشورهاشان غیرقابل تصور بوده است. واشنگتن دی سی پایتخت آدمکشی آمریکا و لوس آنجلس مرکز گروههای گانگستری لقب گرفته‌اند. در هوستون، بوستون، فیلادلفیا، شیکاگو، و دیگر شهرهای بزرگ آمریکا میزان جنایت بسیار بالا رفته است. قتل‌های بدون دلیل، اعدام‌های خونین و دزدی در آمریکا، زندگی دانشجویان خارجی را با ترس و اضطراب در آمیخته است. بدیهی است که میزان جنایت در آمریکا و نبودن امنیت جانی بر تصمیم دانشجویان ایرانی برای بازگشت به وطن ($rpb = ۰.۶۹$) تأثیر بخشیده است.

تبعیض نژادی علیه ایرانیان:

دانشجویان تبعیض نژادی علیه ایرانیان ($rpb = ۰.۶۴$) را عامل دیگر در تصمیم خود برای بازگشت به ایران پس از خاتمه تحصیلات عنوان کرده‌اند. ایالات متحده، نسبت به کشورهای دیگر، تعداد بیشتری از دانشجویان مسلمان را در خود جذب می‌کند. نظرخواهی مجله نیوزویک (Newsweek, 1993) نشان می‌دهد که نظر آمریکاییها نسبت به مهاجران سرعت در حال تغییر است. ۶۰ درصد آمریکاییها سطح فعلی مهاجرت را برای آمریکا زیانبار می‌دانند. همین نظرخواهی نشان می‌دهد که ۶۲ درصد پاسخ‌دهندگان از گرفتن شغل‌های بومی توسط متخصصان مهاجر ناراحتند. از طرف دیگر حوادثی چون انفجار مرکز تجارت جهانی نیویورک، دستگیری، اتهام، صحنه‌سازی و تبلیغات علیه مسلمانان زندگی را بر آنان و بخصوص ایرانیان مشکل کرده است. تعداد زیادی از پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که به خاطر وجود تبعیض نژادی علیه ایرانیان قصد بازگشت به کشور خویش را دارند. بنابراین، مسلم است که دانشجویان ایرانی در چنین جوی آینده روشنی را برای خود در آمریکا نمی‌بینند.

حمایت از پدر و مادر:

در خاتمه عاملی که می‌تواند انگیزه مهمی برای بازگشت دانشجویان به میهن باشد، مایه‌های فرهنگی و اجتماعی است که این دانشجویان از آنها نشأت گرفته‌اند. اگرچه

دانشجویان تحصیل کرده در آمریکا با تحصیلات عالی مقامهای مناسب و مهمی را در بین نخبگان کشور خود به دست می‌آورند، اما دانشجویان فقط به خاطر کسب مقام، آزادی شخصی، امنیت جانی، و یا عواملی از این قبیل به کشور باز نمی‌گردند، بلکه بازگشت آنها در پرتو تعهدی است که نسبت به والدین خویش (۶۴٪ = rpb)، احساس می‌کنند. در فرهنگ ایرانی که نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی است، احترام به پدر و مادر و حمایت از آنها در سنین کهولت واجب است.

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ افکن و پیل تن
گر از عهد خردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من
نکردی در این روز بر من جفا که تو شیرمردی و من پیرزن^۳

پیشنهادها و نتیجه‌گیری

انگیزه کشورهای در حال توسعه در اعزام دانشجویان و متخصصان به خارج از کشور واضح است. آن هم صرفاً "انتقال علم و دانش از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه است. متأسفانه نیروی انسانی متخصص ایرانی نیز همچون متخصصان دیگر کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف تحت تأثیر فرار مغزها به کشورهای غربی و بخصوص ایالات متحده قرار گرفته‌اند. اهمیت نیروهای متخصص و ماهر به عنوان بزرگترین دارایی و سرمایه‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران و نقش حساس و سرنوشت ساز آنها در رشد و توسعه جامعه بر کسی پوشیده نیست. به برکت جمهوری اسلامی، در بخش اعزام دانشجو و کلاً آموزش عالی اقدامات مجدانه‌ای صورت پذیرفته است که نتیجه آن در آینده‌ای نزدیک هویدا خواهد شد. اما جذب نیروهای متخصص خارج از کشور و حل مسأله فرار مغزها دارای مشکلات و تنگناهایی است که باید با انجام اقداماتی در داخل و خارج از کشور میزان جذب را به حداکثر و دفع را به حداقل رسانند. به عنوان نمونه، به مواردی از این مشکلات و تنگناها همراه با ارائه راه‌حلهایی اشاره می‌شود.

سطح حقوق و اختلاف درآمد:

یکی از عواملی که موجب تشویق عده‌ای از فارغ‌التحصیلان به خارج از کشور و

مهاجرت به آمریکا شده، اختلاف درآمد بین ایران و آمریکا است. به طور کلی، اشخاص تحصیلکرده انتظار بالا رفتن درآمد و سطح زندگی خود را دارند. معقول نیز به نظر می‌رسد که دانشجویی که سالها با صرف هزینه سنگین و مشکلات عدیده در یک کشور بیگانه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده است، پس از اتمام تحصیلات خواهان تشکیل یک زندگی متوسط خانوادگی در سطح بین‌المللی باشد و بخواهد از علم خود برای بهبود وضع خانواده و جامعه‌اش استفاده کند. لذا لازم است مسئولان برای جذب نیروهای متخصص خارج از کشور و حفظ متخصصان داخل کشور، ضمن بررسی و تجدیدنظر در شیوه طبقه‌بندی حقوق و دستمزدها، توجه بیشتری به مسایل متخصصان مبذول دارند.

رشد کمی و ارتقای کیفی:

مراکز آموزش عالی باید با توجه به توسعه اقتصادی و لزوم حفظ کیفیت، بسط و ترفیع بیشتری بیابند. بودجه‌ای که در کشورهای توسعه یافته صرف تحقیقات می‌شود رقمی بین ۲ تا ۴ درصد تولید ناخالص ملی آنهاست. این رقم در کشور ما از ۰.۲ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۰.۳۹٪ تا ۰.۵۳٪ درصد (بنابراطلاعات منابع مختلف) در سال ۱۳۷۳ رسیده است. سهم دانشگاه‌های کشور از این اعتبارات تقریباً "معادل ۲۱ درصد می‌باشد (فهیم یحیایی، ۱۳۷۴). تحقیقات یک سرمایه‌گذاری زیربنایی است. از این رو سرمایه‌گذاری در تحقیقات در قالب آموزش عالی همراه با توسعه اقتصادی یکی از سرمایه‌گذاریهای پرمفعت برای کشور خواهد بود و در آینده نیز موجب جذب و حفظ متخصصان خواهد شد. بدیهی است که کشور ما برای تربیت برنامه‌ریزان، مدیران، مهندسان، پزشکان و ... سالها نیازمند دانشگاه‌های خارجی خواهد بود، اما برنامه‌ریزان آموزش عالی باید، ضمن محدود کردن اعزام دانشجوی، تمام تلاش و همت خود را در جهت گسترش و تقویت رشته‌های مورد نیاز کشور و ورود متخصصان به دوره‌های دکتری و استفاده از فرصت‌های مطالعاتی در رشته‌ها و موضوعات مورد نیاز به کار گیرند.

رونق کاوشهای علمی:

از دیگر مشکلات اساسی آموزشی در کشور، رکورد کاوشهای علمی و فعالیتهای تحقیقاتی است که منجر به افزایش فعالیتهای غیرتحقیقاتی آموزشی در دوران متوسطه و

انتقال آنها به دانشجویان و استادان در مراکز آموزش عالی شده است که در نهایت هم چشم‌امید را به تحقیقات خارج از کشور معطوف می‌دارد. افت فعالیتهای تحقیقاتی در دانشگاهها نیاز کشور به دانشگاههای خارج از کشور را افزایش داده و مشکلات عدیده اعزام دانشجویان و فرار مغزها را در بر خواهد داشت. از این جهت، وظیفه مدیران آموزشی است که با تدبیر و برنامه‌ریزیهای اساسی، فرهنگ تحقیقات را در سطوح مختلف آموزشی از ابتدایی تا دانشگاه ترویج کنند.

عدم وجود داده‌ها:

یکی از نارساییها در مسأله بازگشت دانشجویان به کشور، عدم وجود داده‌ها از نظر تعداد و مشخصات متخصصان است که پس از پایان تحصیلات به جمهوری اسلامی ایران باز می‌گردند و در رشته تحصیلی خود جذب بازار کار می‌شوند؛ و نیز عدم اطلاع از تعداد و مشخصات علمی متخصصان ایرانی در آمریکا و کلاً سایر کشورهاست که تصمیم به اقامت دایم و یا موقت در خارج از کشور گرفته‌اند. واضح است که داشتن اطلاعات منسجم تخصصی در مورد این افراد می‌تواند مسئولان را در پیدا کردن راه‌حلهای مناسب جهت جذب نیروهای متخصص و یا اقل همکاری نسبی با آنها یاری‌بخشد.

شناسایی و برقراری ارتباط:

شناسایی و برقراری ارتباط با متخصصانی که به دلایلی تصمیم بازگشت به کشور را ندارند به اندازه اعزام دانشجویان و متخصصان به خارج حایز اهمیت است. تشکیل دفتری با نام دفتر کاریابی و استخدام در دفتر حفاظت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن برای جذب نیروهای ایرانی متخصص در آمریکا ضروری است. وظیفه اصلی این دفتر همکاری با وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بخشهای تولیدی و خدماتی کشور، برای کاریابی و استخدام موقت فارغ‌التحصیلان و دانشجویانی خواهد بود که مراحل پایانی تحصیلات خود را می‌گذرانند، به عبارت دیگر، این دفتر باید واسطه‌ای بین جمهوری اسلامی و متخصصان باشد و ضمن داشتن اطلاعات شغلی مؤسسات داخل کشور از قبیل حقوق و مزایا،

حدود وظایف، بازنشستگی، و تسهیلات مالیاتی گمرکی، از طریق برقراری مصاحبه تلفنی اقدام به استخدام متخصصان نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود که این دفتر با ارسال هیأت‌هایی به نقاط مختلف آمریکا که ایرانیان در آنجا تمرکز بیشتری دارند، ضمن دعوت از متخصصان جهت بازگشت به کشور، مقدمات استخدام آنها را فراهم سازد.

بازدید از کشور:

اکثر متخصصان خارج از کشور، اطلاعات جامعی در مورد پیشرفتهای علمی و تحقیقاتی داخل کشور و نیازهای مربوط به توسعه اقتصادی ندارند و دشمنان انقلاب نیز با ترویج شایعه و سخنان بی‌اساس، خواستار گسستگی رابطه ایرانیان با جامعه خویش‌اند. برگزاری سمینارهای علمی و دعوت از متخصصان خارج از کشور برای مشاهده تحولات سیاسی، اجتماعی و توسعه اقتصادی کشور می‌تواند نتیجه مثبتی در جذب نیروهای متخصص خارج از کشور داشته باشد.

نشریه و پست الکترونیکی (E.Mail):

پیشنهاد می‌شود که نشریه‌ای ماهانه به رایگان، یا با هزینه کم، در اختیار متخصصان ایرانی در آمریکا قرار گیرد. از اهداف اصلی این نشریه ارتباط با متخصصان، ایجاد فضایی باز برای مبادله افکار، چاپ مقالاتی در تحریک احساسات متخصصان برای همکاری، چاپ آگهیهای استخدام مؤسسات داخل کشور، درخواست ارسال مقالات علمی و پژوهشی و چاپ آنها، ارسال مقالات به نشریات علمی داخل کشور، و خلاصه پایه‌گذاری زمینه‌های ارتباط بین متخصصان در آمریکا و مؤسسات علمی ایران خواهد بود. اخیراً "وزارت فرهنگ و آموزش عالی اقدام مثبتی به عمل آورده است تا اطلاعات مربوط به انجمنهای علمی از طریق پست الکترونیکی در اختیار متخصصان قرار بگیرد. لازم است که این وزارت با چاپ اعلامیه‌هایی در روزنامه‌های اطلاعات بین‌المللی و کیهان هوایی وجود چنین برنامه‌ای را به اطلاع هم‌وطنان برساند و از ایرانیان متخصص درخواست همکاری نماید.

ارتباطات علمی بین‌المللی و ایجاد مرکزی مشترک برای تبادل علمی:

هیچ ملتی نمی‌تواند خود را در رشته‌های مختلف علمی از دیگر ملتها بی‌نیاز بداند. هرچه توسعه کشور کمتر باشد نیاز به تشکیل مراکز تحقیقاتی و ارتباط آنها با مراکز تحقیقاتی سایر کشورها بیشتر به نظر می‌رسد. پایه‌گذاری یک بازار مشترک علمی بین کشورهای در حال توسعه و ایجاد سازمان بین‌المللی تحقیقاتی کشورهای اسلامی می‌تواند هدایت علمی گسترش روابط بین‌المللی و پژوهشی را به عهده بگیرد. جمهوری اسلامی باید با همکاری کشورهای در حال توسعه و بخصوص کشورهای اسلامی در صدد تشکیل کمیته‌ای برای بررسی توان علمی این کشورها در سطح دکتری باشد و به جای اعزام دانشجویان به کشورهای توسعه یافته حتی الامکان دانشجویان را به کشورهای در حال توسعه و بخصوص مسلمان - علی‌رغم گرایشهای سیاسی اکثر این کشورها به غرب و فرهنگ غربی - اعزام نمایند. تشکیل چنین سازمانهایی باعث بالا رفتن سطح علمی این کشور، و ممانعت از مهاجرت دانشجویان به کشورهای غربی بعد از اتمام تحصیلات خواهد شد.

تصویب قوانین بین‌المللی:

نماینده دایمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد باید با جلب حمایت کشورهای در حال توسعه در این سازمان و تدوین و تصویب قطعنامه‌ای از سوی اعضای سازمان ملل متحد مبنی بر تشویق کشورهای توسعه یافته به تصویب قوانینی که فارغ‌التحصیلان خارجی این کشورها را مجبور به بازگشت به کشورهای خود دست کم به مدت یکسال کند همت گمارد. این تمهید، به کشورهای در حال توسعه فرصت خواهد داد تا بتوانند عده‌ای از متخصصان را به کشورهایشان بازگردانند.

نتیجه‌گیری:

تعداد زیاد دانشجویان کشورهای در حال توسعه که مشغول تحصیل در ایالات متحده هستند این گمان را به وجود می‌آورند که اکثر آنها قصد اقامت دائم در آمریکا را دارند. این پژوهش بدون شک ثابت می‌کند که اکثر دانشجویان ایرانی قصد اقامت در آمریکا پس از فارغ‌التحصیلی را ندارند. برنامه اعزام دانشجویان و متخصصان به خارج از

کشور همان اندازه که در انتقال علم و تکنولوژی برای کشور مهم بوده و هست، ضرر پنهانی مهاجرت بعضی از دانشجویان را نیز در بردارد. در اکثر کشورها نیروهای متخصص که قدرت ساخت کشور را دارند نیروهای راهبردی قلمداد می‌شوند. نیروهای متخصص به طور کلی دو نوع وفاداری دارند: یکی وفاداری به تخصص خود و رضایت و خشنودی در پیگیری آن، و دیگری وفاداری به فرهنگ، خانواده و به طور کلی عواملی که با احساسات درونی انسان رابطه دارند. در اکثر موارد، تصمیم به مهاجرت زمانی گرفته می‌شود که موقعیت کاری و رفاهی کشور قدرت فراهم ساختن رضایت خاطر متخصصان را ندارد که در این هنگام وفاداری به تخصص بر وفاداریهای دیگر غلبه می‌کند و متخصص به خارج از کشور مهاجرت می‌نماید. نیروهای متخصص با کفایت جامعه، هسته اصلی جامعه برای رسیدن به اهداف آن را تشکیل می‌دهند. عدم توجه به جذب و حفظ نیروهای متخصص ضربه زدن به کانون و قلب جامعه خواهد بود.

اگر امروز کشور ما با کمبود نیروهای متخصص مواجه است، به خاطر قصور و کوتاهی نظام آموزشی کشور و تصمیمهایی است که در گذشته در این باره اتخاذ شده است و شرایط فردا نیز بستگی به برنامه‌ریزیهایی خواهد داشت که امروز صورت می‌گیرد. مسأله بازگشت دانشجویان به کشور پس از اتمام تحصیلات و یا فرار مغزها مسأله جدیدی نیست و نشأت گرفته از عدم استقلال کشور در طول چند قرن اخیر بوده است. کشورهای غیرمستقل برای رفع احتیاجات خود همواره محتاج به کشورهای دیگر بوده‌اند، در حالی که کشورهای مستقل احتیاجات خویش را با کوشش، تحمل سختیها و استفاده و حمایت از کلیه نیروهای داخلی و خارجی برطرف کرده‌اند. در خاتمه، نکته دیگری که باید به آن توجه داشت گسترش کمی و حتی کیفی مراکز آموزش عالی کشور همراه با رشد و توسعه اقتصادی است، و در غیر این صورت در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد مهاجرت نیروهای متخصص با کفایت به کشورهای توسعه یافته خواهیم بود.

پانویسها

- ۱- سخنان جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم جمهوری، در دومین نمایشگاه دستاوردهای انقلاب اسلامی. اطلاعات بین‌المللی. ۶ شهریور ۱۳۷۴، سال دوم، شماره ۲۲۱، ص ۲.

- ۲- مصاحبه کیهان هوایی با آقای عباس ملکی، معاونت آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه، مندرج در اطلاعات بین‌المللی. ۲۷ شهریور ۱۳۷۴، سال دوم، شماره ۲۳۶، ص ۶.
- ۳- علامه سید محمد حسین طباطبایی «فردوسی» در خلاصه تعالیم اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۵۴.

□ منابع

الف: فارسی

- ۱- قارون، معصومه [و دیگران]. تحلیلی بر تحولات نظام پرداخت حقوق و مزایای اعضای هیأت علمی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. سال دوم، شماره هفتم و هشتم، (پاییز و زمستان ۱۳۷۳)، ۱۰۵-۱۴۳
- ۲- فهیم یحیایی، فریبا. گزارش اقتصادی بخش تحقیقات در سال ۱۳۷۳. دفتر آموزش عمومی، عالی و تحقیقات، سازمان برنامه و بودجه، تهران: آبان ۱۳۷۴.

ب: انگلیسی

- Adams, W. **The Brain Drain**. New York: Macmillan, 1968.
- Ahmad, S.M., & Hasan S.M. **Estimation of Brain Drain**. Karachi: Pakistan press, 1970.
- BBC. **International Students**. (1983, September 11).
- Castano, G.M. **Effects of Emigration and Return on Sending countries: The Case of Colombia**. *International Social Science Journal*, 36, (1984), 453-467.
- Dillman D. **Mail and Telephone Surveys, the Total Design Method**. New York: Wiley Publishing Inc., 1978.
- Dubois, P.H. **Linear Correlation and Regression: Two Variables**. In P.H. Dubois (1 st. ed.), **AN Introduction to Psychological Statistics**, New York: Harper, 1965.
- Eren, N. **Supply, Demand and the Brain Drain**. *Saturday Reviw*, (1981,

August 2), 10-12.

- Fraenkel, J. & Wallen, N. **How to Design and Evaluate Research in Education**. New York: Mc Graw- Hill, 1990.
- Glaser, W. **The brain drain: Emigration and Return**. New York: United Nations Institute for Training and Research, 1978.
- Glaser, W. **The Migration and Return of Professionals**. *International Migration Review* 8 (1974) 227- 244.
- Glass, G.V., & Stanly, J.C. **Statistical Method in Education and Psychology**. New Jersey: Printice- Hall, 1970.
- Goodwin, C.D., & Nacht, M. **Decline and Renewal**. New York: Institute of International Education, 1986.
- Goodwin, C.D., & Nacht, M. **Fondness and Frustration**. New York: Institute of International Education, 1983.
- Guilford, J.P **Fundamental Statistics in Psychology and Education**. New York: Mc Graw - Hill, 1958.
- Hashemi Rafsanjani, A Message to the Annual Meeting of the Union of the **Students Islamic Association in Europe**. British Broadcasting Corporation, (1992, September 18).
- Howell, D. **Fundamental Statistics for the Behavioral Sciences**. Boston: PWS Publishers, 1985.
- Howell, D. **Statistical Methods for Psychology** (Second ed.). Boston: PWS Publishers, 1982.
- Institute of International Education. **Open Doors 1993- 94**. New York: Institute of International Education, 1994.
- Jenkins, H. M. **Educating Students From Other Nations**. San Francisco: Jossey Bass, 1983.
- Kanzi, R. (Deputy Health Minister. *Islamic Republic News Agency* (1993, February 20).

- Lockyear, F. **Iranian Exchange Background**. NAFSA Newsletter 31(3), (1979), 61-75.
- Menon, S., & Carspecken, P. **Beyond Push and Pull Explanations, Asian Indian Graduates Students in the United States** (Report No. SO 021104).
- Houston, TX: University of Houston, College of Education. (ERIC Document Reproduction Service No ED. 332888), 1990.
- Nyers, R.G. **Education and Emigration**. New York: David McKay, 1972.
- Najaml, H. **The Economic of U.S. Higher Education and Foreign Students**. - Unpublished Ph. D. thesis, Virginia Polytechnic Institute and State University, 1981.
- Newsweek. **America: Still A Melting Pot?** (1993, August 9), 16-19.
- Orr, J.D **The Foreign Scholar Returned Home: the Review of Selected - research**. Unpublished Ed. D. Thesis. Columbia University, 1971.
- Peil, M. **Consensus and Conflict in African Societies**. London: Longman Group Ltd, 1977.
- Rao, G.L. **Brain Drain and Foreign Students**. New York: St. Martin's Press, 1979.
- Reneze, P. **Foreign Students Proliferate in Graduate Science Programs**. Interview With Barbara Vobejda, Washington Post Staff Writer. Washington Post. (1987, September 2), A1.
- Rodriguez, O. **Social determinants of non- return: Foreign Students from developing Countries in the United States, final report**. New York: New York Bureau of Applied Social Research, 1974.
- Sale, R.T. **Savak Said At Work in Washington**. Washington Post (final ed.), (1977, May 10), A1.
- US Department of Justice. **Immigration and Naturalization Service, Annual Report**, 1988.